



باید برای نمایش **جا** باز کنیم!

گفت‌وگو با دکتر حسن دولت‌آبادی،
نویسنده، کارگردان و پژوهشگر هنر نمایش

گفت‌وگوکننده: حبیب یوسف‌زاده

بیش از پنج دهه حضور درخشان در صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون هنر نمایش و تألیف مجموعه شصت‌جلدی «نمایشنامه‌های آسان» برای کودکان و نوجوانان، از جمله فعالیت‌های درخشان دکتر دولت‌آبادی است. به‌علاوه، داشتن رتبه برتر جشنواره‌های معتبر داخلی و بین‌المللی، داوری مسابقات بین‌المللی و ملی تئاتر و قصه‌گویی، تدریس در دانشگاه‌های نمایش کشور، عضویت در شوراهای سیاست‌گذاری و هیئت‌های علمی و انجمن‌های مرتبط با هنر نمایش و فعالیت در تلویزیون، رادیو و سینما، از دیگر نقاط برجسته یک‌عمر تلاش فرهنگی و هنری این معلم هنرمند هستند. در سال ۱۳۳۵ قدم به صحنه زندگی گذاشته و از حدود پنجاه سال پیش آینه‌گردان زندگی در صحنه‌های نمایش بوده است. پس از سی سال تلاش، تولید و تدریس نمایش در تهران، با برگشتن به زادگاهش، ساری، به تولید و آموزش نمایش در آن شهر مشغول است و همچنان به اعتلای هنر نمایش و تأثیر آن در غنی‌سازی فضای آموزش و یادگیری می‌اندیشد. برای بررسی اهمیت هنر نمایش در فرایند تربیت و یادگیری، با این هنرمند پیش‌کسوت به گفت‌وگو نشستیم.

را به امکانی برای یاددهی و یادگیری بدل کند. به دلیل همین عجیب‌بودن نمایش با زندگی است که تماشاگر از چارچوب‌ها و کلیشه‌های کسالت‌بار روزمره خارج و طوری مجذوب جهان نمایش می‌شود که با کامیابی قهرمان داستان، احساس بهجت و کامیابی می‌کند و برعکس، از شکست او دچار اندوه می‌شود. البته از آنجا که به‌طور معمول در آثار ویژه کودکان باید روی «امیدبخشی» تأکید شود، در اغلب نمایشنامه‌های ویژه این گروه سنی، مخاطب خود را متحد و طرفدار قهرمان داستان تصور می‌کند و نوعی احساس رضایت و گرایش به خیر و دوری از شر و پلیدی در ذهن او شکل می‌گیرد.

■ اگر بخواهیم مقایسه کنیم، تفاوت نمایش زنده و فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، از لحاظ

■ به‌عنوان مقدمه بفرمایید اصولاً نمایش چگونه اثر می‌کند و دلیل تأثیرگذاری آن چیست؟

■ نمایش در واقع داستانی تجسم‌یافته و عینی شده است که روی صحنه در معرض نگاه تماشاگر قرار می‌گیرد و به او فرصت می‌دهد با شخصیت‌های نمایش همدل و همراه شود و به‌اصطلاح با آنان هم‌ذات‌پنداری کند؛ پدیده‌ای که قدمتی چندهزار ساله دارد و ارسطو هم در رساله «فن شعر» به آن اشاره کرده و مدعی است در این شرایط نوعی تزکیه نفس در مخاطب رخ می‌دهد. به استناد تاریخ نمایش، انسان از زمان اندیشیدن و جست‌وجو برای یافتن علت وقوع پدیده‌های دنیای پیرامون خویش به «نمایش» پرداخته و کوشیده است به مدد آن از فردیت خود خارج شود و ارزش‌ها و اهداف خود را تبیین و آن



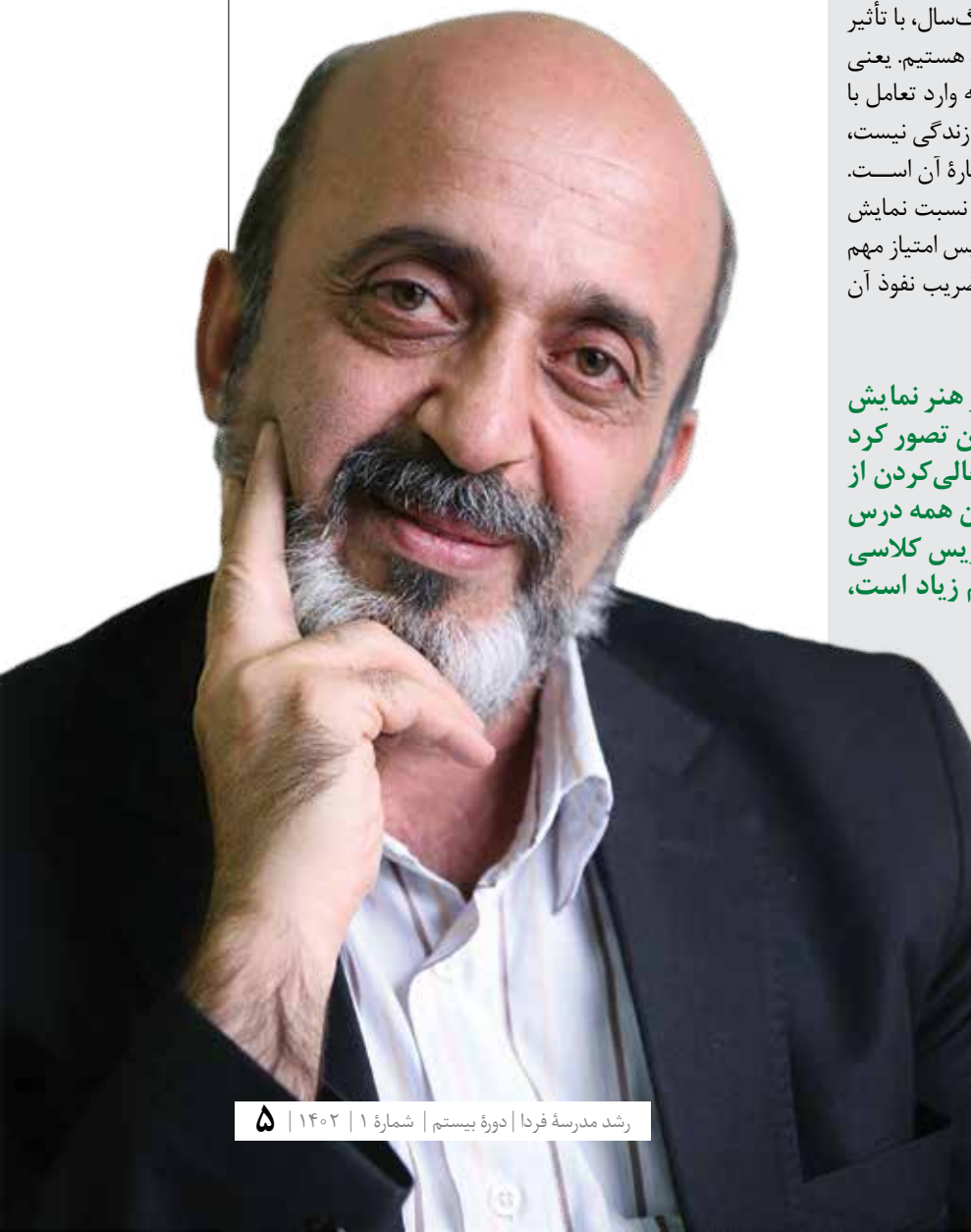
انگشت هنر نمایش
دقیقاً روی نقطه
حساس «هوش
هیجانی» بچه‌هاست



**گرچه نمایش هرگز
عین زندگی نیست،
اما می توان گفت
شبیه ساز زندگی و
به نوعی عصاره آن
است**

موجب می شود ذهن ما نسبت به آن موضوع قفل شود. برای کمک به گشودن این قفل، من سعی کرده ام پاسخ این قبیل بهانه تراشی های احتمالی را با نوشتن حدود دویست «نمایشنامه آسان» برای اجرا در کلاس و مدرسه، بدهم. لطف خداوند بود که پس از پایان خدمت سربازی این توفیق را داشتم که مدت دو سال در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شاغل باشم و آنجا با بچه ها کار نمایش انجام بدهم و بعد، چهار سال در آموزش و پرورش

به ادامه آن فعالیت ها بپردازم و نشریه هایی هم در این زمینه انتشار دهم که عبارت بودند از: «شکوفه انقلاب» و «جوانه انقلاب»؛ با شمارگانی حدود سی و پنج هزار نسخه، که در ناحیه آموزش و پرورش استان مازندران چاپ و توزیع می شدند. با توجه به این فرصت های پیش آمده،



کیفیت تأثیر گذاری، به چه صورت است؟

در مجموع نباید اهمیت فیلم را دست کم بگیریم، چرا که علاوه بر ابزارهای فناورانه و امکان خلق جلوه های ویژه، آنجا دست کارگردان برای ایجاد تنوع در زاویه دید و حرکت دادن دوربین در جهت های گوناگون باز است؛ چیزی که هر فیلم ساز مجرب و دانا می تواند به خوبی از آن بهره ببرد و روح و ذهن مخاطب را تسخیر کند. حتی در نخستین روزهای پیدایش فیلم و سینما، این نگرانی وجود داشت که دوران نمایش به سر آید و به تاریخ بپیوندد، اما در ادامه مشخص شد، نمایش نه تنها با سینما تعارضی ندارد، بلکه منبع الهام بخش آن است و زمینه بی بدیلی است برای پرورش استعدادهایی که در سینما به اوج درخشش می رسند.

پس در قابلیت های خارق العاده سینما و تلویزیون تردیدی وجود ندارد، اما با وجود مشترکات زیاد، از لحاظ بهره گیری از عناصری داستانی همچون شخصیت پردازی، تعلیق، کشمکش و غیره، در نمایش کودک و بزرگسال، با تأثیر متقابل انسان زنده بر انسان زنده دیگر مواجه هستیم. یعنی تماشاگر نه تنها ناظری منفعل نیست، بلکه وارد تعامل با بازیگر می شود. لذا گرچه نمایش هرگز عین زندگی نیست، اما می توان گفت شبیه ساز زندگی و عصاره آن است. یعنی به تعبیر عامیانه که دقیق هم نیست، نسبت نمایش و زندگی مثل نسبت گلاب و گل است. پس امتیاز مهم نمایش زنده بودن آن است و طبیعی است ضریب نفوذ آن هم بر مخاطب افزون تر است.

فرض کنیم از یک معلم بخواهیم از هنر نمایش در تدریس خود استفاده کند. می توان تصور کرد که بهانه های متعددی را برای شانه خالی کردن از این کار مطرح کند. مثلاً بگوید، با این همه درس و برنامه در مدرسه، من همین تدریس کلاسی خودم را داشته باشم، از سرم هم زیاد است، نمایش و ادابازی در کلاس پیشکش! پاسخ جناب عالی برای این معلم فرضی چیست؟ آیا اجرای نمایش در کلاس درس واقعاً تجملی و دور از دسترس است؟

امکان بهره مندی از هنر نمایش در کلاس، موضوع چندان پیچیده ای نیست و گاهی با ساده ترین ابزارها و روش ها امکان پذیر است. اما گاهی مطلق گرایسی و دورخیزهای خیلی بلند، جرئت پرش را از ما می گیرد و

توانستم هم تولید نمایش کنم و هم برای معلمان پرورشی در زمینه هنر نمایش تدریس داشته باشم و نیاز «مدرسه» را در این خصوص با تمام وجود درک کنم. برای همین در این مجموعه سعی کرده‌ام فرصت نشو و نمای عملی را برای دانش‌آموزان فراهم کنم.

البته معلمان هم حق دارند گله کنند. نظام آموزشی باید در خصوص کاستن از حجم درس‌ها و حرکت به سوی کیفیت و «شخصی سازی آموزش» گام‌های مؤثری بردارد. همچنین، از بسترسازی و ایجاد فرصت برای معلمان هم نباید غافل باشیم، چرا که هنر، به‌ویژه هنر نمایش، صرفاً جنبه سرگرمی ندارد.

اگر در کلاس فرصت خودابرازگری سالم را برای بچه‌ها فراهم کنیم، در پرورش هوش عاطفی و هیجانی آن‌ها تأثیر عمده‌ای خواهد داشت. یعنی انگشت هنر نمایش دقیقاً روی نقطه حساس «هوش هیجانی» بچه‌هاست. به این ترتیب هم معلمان راضی تر خواهند بود و هم دانش‌آموزان.

معلمانی که در زمینه نمایش مهارت کسب کنند و با کارکرد آن در تسهیل تدریس و انتقال مفاهیم آشنا شوند، به‌طور طبیعی به آن گرایش خواهند داشت

■ مجموعه نمایشنامه‌هایی که تدارک دیده‌اید، از نظر سهولت اجرا و ارتباط با برنامه درسی چه ویژگی‌هایی دارند؟

□ در این مجموعه تلاش شده است با حداقل امکانات، بهترین نتیجه ممکن حاصل شود. مثلاً برای ایجاد صدای باران حتماً به دستگاه صوتی آن چنانی و پخش صدای باران نیاز نیست. بلکه بچه‌ها می‌توانند با ضربه‌های متناوب انگشت اشاره و میانی یک دست بر

کف دست دیگر، صدای باران را تداعی کنند. همچنین، کل مسیر و فرایندی که معلم باید از داستان اولیه تا نمایش قابل اجرا در کلاس طی کند، در تک‌تک این نمایشنامه‌ها شرح داده شده است؛ طوری که با اقدام به اجرای آن‌ها، می‌توانند با مبانی کارگردانی و صحنه‌آرایی نیز آشنا شوند و صفر تا صد کار را پیش ببرند. حتی کارگردانی عروسکی و غیرعروسکی را شرح و نحوه ایفای نقش بازیگران را توضیح داده‌ام. به‌علاوه، در محتوای آن‌ها به هویت و ارزش‌های دینی و ملی توجه شده و سعی کرده‌ام برخی مفاهیم

اعتقادی همچون معاد و جهان آخرت را از طریق تمثیل و نظریه‌سازی، بدون اشاره‌ای به موضوع مرگ، عینت ببخشیم. در خصوص مسائل علمی، مهارت‌های ارتباطی و حتی مفاهیم ریاضی، مثل ارزش مکانی اعداد، نیز به همین نحو کار شده است. نکته مهم دیگر اینکه استفاده از این نمایشنامه‌ها به اخذ مجوز از نویسندگان نیاز ندارد و معلمان عزیز می‌توانند با آسودگی خاطر از این مجموعه بهره‌مند شوند. ناگفته نماند، اغلب این نمایشنامه‌ها موسیقایی (موزیکال) هستند و خصوصیات روان‌شناختی مخاطبان و گروه‌بندی سنی ابتدایی و متوسطه در تألیف آن‌ها لحاظ شده است.



■ در ساختار تربیت معلم پرداختن به مقوله نمایش را چقدر ضروری می‌بینید؟ آیا شرایط و برنامه‌های کنونی نیاز معلمان جوان ما را در این حوزه برآورده می‌کنند؟

□ البته در برنامه درسی معلمان، آشنایی با هنر نمایش گنجانده شده است و برخی مراکز تربیت معلم در این زمینه آموزش‌های ضمن خدمت برگزار می‌کنند. همه این‌ها غنیمت است، اما کافی نیست. امروز در کشورهای توسعه‌یافته بودجه کلانی را صرف بهره‌مندی از نمایش در آموزش و یادگیری می‌کنند. یعنی نهادهای اجتماعی از بستر نمایش برای پیشبرد اهداف و القای آموزه‌های خود بهره می‌برند. نباید تردید کرد، معلمانی که در زمینه نمایش مهارت کسب کنند و با کارکرد آن در تسهیل تدریس و انتقال مفاهیم آشنا شوند، به‌طور طبیعی به آن گرایش خواهند داشت. مهم‌ترین نکته لازم این است که سیاست‌گذاران و مدیران ارشد نظام آموزشی برای هنر نمایش جای بیشتری باز کنند و طوری به آن بها بدهند که از حاشیه به متن بیاید.

■ با توجه به اینکه داوری جشنواره‌های متعدد نمایش را بر عهده داشته‌اید، بفرمایید معیارهای نمایش خوب برای کودکان و نوجوانان چیست؟

□ به‌نظر بنده، اولین و پررنگ‌ترین جنبه نمایش مناسب



کرد. نکته اصلی این است که این باور در مسئولان آموزش و پرورش ایجاد شود که نمایش موضوعی تفنی نیست و می‌تواند در متن برنامه درسی ایفای نقش کند. در آن صورت به یقین شاهد اثرگذاری خارق‌العاده آن خواهند بود و اتفاق‌های خوبی رقم خواهد خورد.

بنده بشخصه طرحی در نظر دارم با عنوان «از قصه تا نمایش» که به‌طور آزمایشی در برخی مناطق آموزش و پرورش برای مربیان اجرا شده است. به این ترتیب که یک نمایش برای مربیان، در مقام مخاطب و دانش‌آموز، اجرا می‌شود. آنگاه از آنان خواسته می‌شود همان نمایش را برای مخاطبان واقعی خود (کودکان) اجرا کنند. بازدهی این فرایند فوق‌العاده است. در روند تبدیل قصه به نمایش، روی موضوعاتی مثل تاب‌آوری و استقامت در بحران‌ها و مشکلات نیز کار می‌شود که برای مربیان و مخاطبان جذابیت خاصی دارد.

برای کودکان و نوجوانان، علاوه بر جذابیت، جنبه تعلیمی آن است. پس یک معیار تعیین‌کننده، آموزشی بودن و امکان تأثیرگذاری آن بر دیدگاه و رفتار مخاطب است. اینکه موجب شود مخاطب در برابر بدی‌ها و ناهنجاری‌ها موضع بگیرد. معیار دیگر این است که نمایش‌های دانش‌آموزی نباید بدآموزی یا سوء تأثیر داشته باشند. مثلاً ممکن است یک نمایش در پی انتقال پاره‌ای مفاهیم مهم باشد، اما در عمل اضطراب، ترس و خشونت را در مخاطب القا کند و این می‌تواند نقطه‌ضعف آن نمایش تلقی شود. متأسفانه برخی نمایش‌های عروسکی که از رسانه ملی هم پخش می‌شوند، اشارات بزرگسالانه‌ای دارند که به هر صورت در مخاطب کودک تأثیر منفی دارند. معیار بعدی، استواری و استحکام ساختار نمایش و داستان است که شرح آن در کتاب‌های آموزشی آمده است. البته در شکل اجرا و نکات فنی نیز ضوابطی وجود دارند که تخصصی هستند و شرح آن‌ها از حوصله این گفت‌وگو خارج است.



نکته اصلی این است که در مسئولان آموزش و پرورش این باور ایجاد شود که نمایش امری تفنی نیست و می‌تواند در متن برنامه درسی ایفای نقش کند

■ ختم کلام؟

□ خداوند را شاکرم که توفیق داشته‌ام چند دهه از عمرم را برای درک نیازهای دانش‌آموزان و تألیف و پژوهش و تلاش در این عرصه صرف کنم. از این رو، با اتکا به تجربه زیسته‌ام، به مسئولان محترم آموزش و پرورش عرض می‌کنم، اگر در جست‌وجوی جامعه‌ای سالم و حیات طیبه هستیم، شالوده آن را باید از دوره کودکی فراهم کنیم. یعنی اگر در کودکی کار «ترم» و تربیت‌زیبایی‌شناسانه صورت نگیرد، لاجرم در بزرگسالی برای مواجهه با آنان باید به نیروی قهریه متوسل شویم! یکی از نرم‌ترین و جذاب‌ترین رسانه‌های تربیتی و اقناع مخاطب نیز همین نمایش است، که امیدوارم ظرفیت‌های آن بیش از پیش شناخته و در فضای تعلیم و تربیت ما جدی‌تر از این‌ها تلقی شود. به عبارت دیگر، امروز ترویج نمایش یک ضرورت است نه موضوعی حاشیه‌ای.

■ **سپاس از اینکه دیدگاه‌ها و تجربه‌های ارزشمند خود را در اختیار خوانندگان «رشد مدرسه فردا» گذاشتید.**

■ در گزینش موضوع‌های نمایش چه منابعی را پیشنهاد می‌کنید؟

□ هر آن چیزی که سؤالی در ذهن مخاطب ایجاد کرده باشد و هر رویداد و مسئله‌ای که دغدغه او باشد، می‌تواند موضوع نمایش باشد. اما یکی از منابع غنی ما برای رشد و بالندگی شخصیت مخاطبان، قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه و متن‌های کهن ادب فارسی هستند. متن‌هایی مثل حکایت‌های سعدی، قصه‌های مثنوی، شاهنامه فردوسی و آثار نظامی گنجوی. اما همیشه باید تناسب محتوای آن آثار را با درک و فهم مخاطب در نظر داشت تا اثر ضدتربیتی و مفسده در پی نداشته باشند. چنانکه مثلاً برخی اشارت‌های بلند مثنوی مولوی به شکلی بیان شده‌اند که مناسب کودکان نیستند.

■ به نظر شما آموزش مبانی نمایش و بازیگری در مدرسه امکان‌پذیر است؟

□ باید توجه کرد، بازیگری یک مهارت عملی است و مثل شنا و دوچرخه‌سواری نمی‌توان آن را با کتاب به کسی یاد داد. اما می‌توان دوره‌های فشرده و کوتاه‌مدتی را برای این منظور تعریف و جرقه را در ذهن علاقه‌مندان ایجاد